:

Pegah Faghiri, Pollet Samvelian

To cite this version:

Pegah Faghiri, Pollet Samvelian. : . 1st National Conference on Semantics and Syntax of Iranian Languages, University of Tehran, Apr 2014, Tehran, Iran. pp. 61-74. halshs-01220401

HAL Id: halshs-01220401

https://shs.hal.science/halshs-01220401v1

Submitted on 26 Oct 2015

HAL is a multi-disciplinary open access archive for the deposit and dissemination of scientific research documents, whether they are published or not. The documents may come from teaching and research institutions in France or abroad, or from public or private research centers.

L'archive ouverte pluridisciplinaire **HAL**, est destinée au dépôt et à la diffusion de documents scientifiques de niveau recherche, publiés ou non, émanant des établissements d'enseignement et de recherche français ou étrangers, des laboratoires publics ou privés.

جایگاه مفعول مستقیم در فارسی: بررسی داده‌بنیاد

پگاه فقیری و پُلت ساموليان

دانشگاه سوربُن نوول – پاریس ۳

چکیده

هدف این مقاله بررسی داده‌بنیاد توالی مفعول مستقیم و غیرمستقیم در ساخت‌های دومفعولی با ترتیب *فاعل–مفعول–فعل*در فارسی است. محققان در حوزهٔ نحو، عمدتاً در چهارچوب نظری زایشی، برای مفعول مستقیم قائل به وجود دو جایگاه نحوی متفاوت بسته به مشخص بودن آن یا به عبارت دیگر، همراهی آن با حرف نشانهٔ *را* هستند (کریمی۲۰۰۳؛ راسخ‌مهند ۱۳۸۳). در این راستا، پیرو پژوهش های تجربی دربارهٔ توالی ترجیحی کلمات (از جمله: هاکینز ۱۹۹٤، واسو و همکارن ۲۰۰۰، یاماشیتا و چانگ ۲۰۰۱، برسنن و همکاران ۲۰۰۷) در زبانهایی چون انگلیسی و ژاپنی، با استفاده از داده‌های زبانی واقعی، از جمله داده‌های پیکره‌ای و تجربی، توالی بی‌نشان مفعول مستقیم و غیر مستقیم را بررسی کردیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مشخص بودن یا به عبارت دیگر همرامی با *را* معیار دقیقی برای تعیین جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم نیست. زیرا با اینکه به صراحت می‌توان گفت جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم با *را* قبل از مفعول غیر مستقیم یعنیدور از فعل است، درمورد مفعول مستقیم بدون *را* به خودی خود نمی‌توان جایگاه بی‌نشانی تبیین کرد چراکه این‌گونه مفعول‌ها گروه همگونی را تشکیل نمی‌دهند. درحالیکه جایگاه بی‌نشان مفعول بدون وابسته (عریان) که می‌توان گفت نامشخص‌ترین نوع مفعول است در مجاورت فعل است، داده‌ها نشان می‌دهند که جایگاه ترجیحی مفعول نامشخّص وقتی همراه با حرف تعریف (نشان نکرگی) است نه در کنار فعل بلکه همانند مفعول مشخص دور از فعل است. با توجه به این نتایج، فرضیهٔ ما این است که معیار مناسب برای تعیین جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم، ورای مشخص بودن یا نبودن، میزان معین بودن آن است در قالب پیوستاری که یک سر آن مفعول مستقیم با *را* قرار دارد و سر دیگر آن مفعول مستقیم عریان. به علاوه، تحلیل آماری دادگان نشان می‌دهد که طول سازه‌ها هم در تعیین توالی دو مفعول دخیل است و زبان فارسی از این نظر به زبان ژاپنی شباهت دارد. بنابراین این تحقیق نشان می‌دهد که گوناگونی توالی مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم نمی‌تواند منشأ نحوی داشته باشد و به این ترتیب تحلیل‌هایی را که برای مفعول مستقیم دو جایگاه نحوی متفاوت درنظر می‌گیرند زیر سوال می‌برد.

کلیدواژه‌ها: توالی کلمات، مفعول مستقیم، مفعول‌نمایی افتراقی، بررسی پیکره‌بنیاد

۱. مقدمه

فارسی ازجمله زبان‌هایی است که دارای توالی کلمات (نسبتاً) آزاد هستند. البته این اتفاق نظر وجود دارد که توالی بی‌نشان جمله *فاعل– مفعول– فعل* است. بااینکه، گوناگونی توالی دومفعول در ساختار دومفعولی به خودی خود موضوع پژوهشهای نحوی یا تجربی نبوده است، جایگاه مفعول مستقیم یکی از موضوعاتی است که در حوزهٔ نحو (عمدتاً در چهارچوب نظری زایشی) به آن بسیار پرداخته

شده است. اکثر تحقیقات در این زمینه (از جمله: کریمی ۲۰۰۳؛ راسخ‌مهند ۱۳۸۳) قائل به وجود دو جایگاه نحوی متفاوت برای مفعول مستقیم هستند: مفعول مستقیم نامشخص (بدون *را*) مجاور فعل و جایگاه مستقیم مفعول مشخص (با *را*) دور از فعل است. در نتیجه برای ساخت‌های دومفعولی دو توالی بی‌نشان مفروض است : ۱) مفعول مستقیم با *را*– مفعول غیرمستقیم – فعل و ۲) مفعول غیرمستقیم – مفعول مستقیم بدون *را*– فعل.

از طرفی، در سالهای اخیرتحقیقات داده‌بنیاد دید عینی‌تری دربارۀگوناگونی توالی کلمات در ساخت‌های با توالی آزاد، ازجمله پسایندسازی و تناوب برایی[1] در زبان انگلیسی،ارائه داده‌اند و بهره‌گیری از چنین روش‌هایی حتی در چهارچوب‌های نظری زایشی هم متداول شده است.از جمله تحقیقات پیشکسوت در این زمینه می‌توان از واسو (۱۹۹۷؛۲۰۰۲) نام برد که با استفاده از داده‌های پیکره‌ای و آزمایش‌های روان‌زبان‌شناختی[2] به بررسی همخوانی فرضیه‌های نظری موجود در مورد پسایندسازی در زبان انگلیسی با کاربرد واقعی سخنوران پرداخته است. تحقیق تجربی کلیدی دیگر، برسنن و همکاران (۲۰۰۷) است که بر پایه داده‌های پیکرۀ زبانی سوئیچ‌برد، مدلی رگرسیونی بر اساس مجموعۀ متعددی از عوامل، برای پیش‌بینی تناوب برایی در زبان انگلیسی طرح کردند و سپس از طریق پرسش‌نامۀ زبانشناختی دقّت این مدل را به نسبت ترجیحات واقعی سخنوران سنجیدند.

پیرو تحقیقات نامبرده، پژوهش حاضر سعی داشته است توالی مفعول مستقیم و غیرمستقیم را در زبان فارسی از دیدگاه تجربی و داده‌بنیاد بررسی کند و از این طریق دریافت عینی‌تری از جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم به دست دهد. ابتدا با بهره‌گیری از داده‌های پیکرۀ بی‌جن‌خان صحت فرضیه‌های موجود بررسی و بر اساس نتایج به دست آمده فرضیه‌های جدیدی طرح شد. سپس با استفاده از پرسش‌نامۀ زبانشناختی درستی این فرضیه‌ها بررسی گردید. در ادامه، در بخش (۲) فرضیه‌های موجود در مورد جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم در فارسی و در بخش (۳) نظریات مطرح در مورد توالی ترجیحی کلمات را مرور می‌نمایم. سپس در بخش (٤) داده‌های پیکره‌ای و داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و تحلیل آماری این داده‌ها ارائه خواهد شد و نهایتاً در بخش (۵) با توجه به نتایج حاصل و هم‌چنین بررسی اجمالی استدلال‌های نحوی مطرح برای اثبات جایگاه دوگانۀ مفعول مستقیم دریافت خود را از جایگاه نحوی مفعول مستقیم در فارسی ارائه خواهیم داد .

۲. جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم در فارسی

---

[1] Dative alternation

[2] Psycholinguistic experiments

در این جا لازم است متذکّر شویم که منظور از توالی بی‌نشان، آن توالی‌ای است که به خودی خود از لحاظ ساختار اطّلاعی بی‌نشان است، یعنی کاربرد اطّلاعی خاصی را منظور نمی‌کند و در واقع می‌تواند برای هر ساختار اطّلاعی به کار رود (لامبرشت ۱۹۹٦). *مریم کتاب را خرید* می‌تواند با تغییر تاکید جواب به این سوال‌ها باشد: *مریم چه کرد؟ چه کسی کتاب را خرید؟ مریم چه چیز را خرید؟* در حالی که جملهٔ*کتاب را مریم خرید* با تغییر تأکید می‌تواند جواب سوال *مریم چه چیز را خرید؟* یا *چه کسی کتاب را خرید؟* باشد اما به سختی می‌تواند برای جواب به سوال *مریم چه کرد؟* به کار رود. به عبارت دیگر، توالی‌های بی‌نشان ازتوالی‌های نشان‌دار، یعنی توالی‌هایی که کاربرد اطّلاعی خاصّی را منظور می‌کنند، پرکاربردترند. به عبارت دیگر، از دیدگاه کمّی با استناد به لامبرشت (۱۹۹٦) می‌توان فرض کرد که توالی بی‌نشان آن توالی است که (در شرایط برابر) بسامد بالاتری داشته باشد.

کتاب‌های دستور (خانلری۱۳۵۱، قریب و همکاران ۱۳۷۳، انوری و گیوی ۱۳۷٤) که از دیدگاه تجویزی به ترتیب کلمات در جمله پرداخته‌اند، غالباً قائل به دو آرایش متفاوت هستند، بسته به همراهی یا عدم همراهی مفعول مستقیم (صریح) با *را*. وقتی مفعول صریح با *را*همراه است بهتر است قبل از مفعول باواسطه قرارگیرد و در غیراین صورت بعد از آن. البته شایان توجه است که به طور مثال، انوری و گیوی (۱۳۷٤) علاوه بر وجود *را*، همراهی با یای نکره را نیز درنظرمی‌گیرند و در واقع سه حالت برمی‌شمرند. این سه حالت در مثال‌های زیر مشهود هستند (۱۳۷٤، ص ۳۰۵):

(۱) یوسف کتاب را به کتابخانه داد.

(۲) یوسف کتابی از کتابخانه گرفت = یوسف از کتابخانه کتابی گرفت.

(۳) یوسف از کتابخانه کتاب گرفت.

کریمی (۲۰۰۳؛۱۹۹۰) از اوّلین پژوهش‌های نحوی است که در چهارچوب نظریهٔ زایشی جایگاه مفعول مستقیم را بررسی کرده است. او معتقد است مفعول مستقیم بسته به مشخّص بودنش دو جایگاه نحوی متفاوت دارد (کریمی ۲۰۰۳:۱۰۵):

(4) a. $[_{VP} DP_{[+Specific]} [_{V'} PP\ V]]$
b. $[_{VP} [_{V'} PP [_{V'} DP_{[-Specific]}\ V\ ]]$

بنابراین نظریه، مفعول مستقیم مشخص در جایگاه نحوی بالاتری قرار دارد و می‌تواند در اثر قلب نحوی جابجا شود درحالی‌که مفعول مستقیم غیرمشخّص جایگاه پایین‌تری دارد و فقط در صورتی می‌تواند مشمول قلب نحوی شود که از نظر ساختار اطّلاعی دارای تاکید تقابلی باشد و با تکیّه بیان شود (۲۰۰۳:۹۲). به عبارت دیگر، در یک آرایش خنثی، مفعول مستقیم مشخص قبل از مفعول غیر مستقیم، یعنی دور از فعل قرار می‌گیرد، در حالی‌که مفعول مستقیم نامشخّص بعد از

مفعول غیرمستقیم، یعنی در مجاورت فعل قرار دارد (کریمی ۲۰۰۳: ۹۲؛ راسخ‌مهند ۱۳۸۳:٦۰). از آنجا که مشخص بودن مفعول مستقیم همراهی آن با حرف نشانهٔ *را* را دربردارد (کریمی ۲۰۰۳:۹۱ ؛ راسخ‌مهند ۱۳۸۳:۵۹)، می‌توان گفت توالی بی‌نشان جمله وقتی مفعول مستقیم با *را* همراه باشد، مفعول مستقیم–مفعول غیرمستقیم–فعل است و در غیر این صورت مفعول غیرمستقیم– مفعول مستقیم – فعل. شایان ذکر است که صحَت این فرضیّات نظری که به‌نظرمی‌رسد پژوهشگران حوزهٔ نحو برسر آن اتّفاق نظر دارند تا به حال از لحاظ تجربی به طور روش‌مند بررسی نشده است[۳]. در این تحقیق فرض ما بر این است که اگر این مدّعا صادق باشد این دوجایگاه بی‌نشان باید در بررسی بسامدی یک پیکرهٔ زبانی نمونه منعکس شوند. در اینجا لازم می‌دانیم قبل از ارائهٔ یافته‌های این مطالعه به بررسی اجمالی نظریات مطرح دربارهٔ آرایش ترجیحی و عوامل دخیل در تعیین آن با محور توالی دو مفعول بپردازیم.

۳. توالی ترجیحی کلمات

واسو (۱۹۹۷؛۲۰۰۲) در مورد پسایندسازی سازهٔ سنگین[٤] در زبان انگلیسی با بررسی آماری نشان داد که طول نسبی سازه‌ها (کوتاه قبل از بلند[٥]) و ساختار اطّلاعی (مفروض قبل از نو[٦]) دو عامل مستقل دخیل در فرآیند پسایندسازی هستند[۷]. این یافته‌ها مویّد نظریه‌های شناختی و روان‌زبان‌شناسی است

---

[۳]دراینجا باید متذکر شد که راسخ‌مهند در تحقیق خود با معیار بسامد درپیکره ایشان حدود۳۰۰ جمله مأخوذ ازفرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۸۳ : ۵۹) صحّت وجود دو جایگاه بی‌نشان برای مفعول مستقیم را بررسی کرده است، امّا درمقاله فقط نتیجهٔ کلی این بررسی ذکر شده و متأسفانه مشخّصات دادگان، جزئیات نمونه‌گیری و نتایج بررسی بسامدی ارائه نشده‌اند. ازطرفی، به‌نظرمی‌رسد مفعول‌های نامشخص بررسی شده در این تحقیق اکثراً، اگر نه تماماً، از نوع مفعول عریان باشند – زیرانمونه جملات ارائه شده در متن مقاله همگی از این دسته مفعول نامشخّص هستند (۱۳۸۳: ٦۱). بنابراین نمی‌توان با اطمینان نتایج حاصل از این نمونهٔ دادگان را به کل مفعول‌های نامشخّص بسط داد. همان‌طور که در بخش (٤) این مقاله خواهیم دید، داده‌های ما نشان می‌دهند که مفعول نامشخص گروه همگونی را تشکیل نمی‌دهد و در حالیکه که می‌توان گفت جایگاه بی‌نشان مفعول عریان (کتاب) در مجاورت فعل است در مورد مفعول نامشخّص با نشان نکرگی (کتابی/یک کتاب) نمی‌توان چنین جایگاه بی‌نشانی درنظرگرفت.

[٤]Heavy NP shift

[٥]Short-before-long

[٦]The given-before-new principle

[۷]البته اصل «وزن–آخر» یا همان پسایندسازی سازهٔ سنگین، به تحقیقات بهاگل (۱۹۰۹) در مورد زبان آلمانی برمی‌گردد. هم‌چنین اصل «مفروض قبل از نو» از سالها قبل در تحقیقات متعددی در حوزهٔ ساختار اطّلاعی مطرح بوده است (از جمله: گوندل، ۱۹۸۸).

که در دسترس بودن[8] را عامل اصلی تعیین آرایش (خطی) ترجیحی می‌دانند و بر این باورند که در شرایط برابر، در آرایش خطی، سازه‌ای زودتر قرار می‌گیرد که هزینهٔ کمتری برای پردازش و تولیدنیاز دارد و به عبارت دیگر دردسترس‌تر است. چنان‌که این تمایل گاهی تلویحاً جهان‌شمول تلقّی شده است.

حال این‌که قبل از این هاکینز (۱۹۹٤) در چهارچوب نظری نقش‌گرا و از دیدگاه رده‌شناختی به بررسی کمّی توالی کلمات پرداخته و مشخّصاً با استناد به داده‌های پیکره‌ای به وجود تمایل معکوس، یعنی تمایل «بلند قبل از کوتاه»، در زبان ژاپنی اشاره کرده بوده است. او از دیدگاه عملکرد[9] و با رویکردی پردازش‌محور[10] (در مقابل رویکرد تولیدمحور) این مقوله را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که فاصلهٔ فعل (به عنوان هستهٔ سازهٔ فعلی) با هسته‌های سازه‌های وابستهٔ آن در تعیین توالی دو مفعول دخیل هستند وترتیبی که این فاصله را حدّاقل کند به ترتیب‌های دیگر ترجیح داده خواهد شد.[11] بر این اساس، عامل طول نسبی سازه‌ها در زبان‌های هسته- پایانی (از جمله ژاپنی) و زبان‌های هسته- آغازی معکوس یکدیگر عمل می‌کند.

تمایل «بلند قبل از کوتاه» در زبان ژاپنی در یک تحقیق تجربی توسط یاماشیتا و چنگ (۲۰۰۱) هم تأیید شده است. البته یاماشیتا و چانگ رویکردی تولیدمحور دارند و پیرو پژوهش‌های کلیدی در حوزهٔ تولید (از جمله: بُک۱۹۸۲و بُک و لولت ۱۹۹٤) کماکان دردسترس بودن را عامل اصلی در تعیین توالی ترجیحی می‌دانند، با این تفاوت که این محقّقان معتقدند نحوهٔ عملکرد مولّفهٔ دسترسی در همهٔ زبان‌ها یکسان نیست و استدلال می‌کند که درزبان ژاپنی، برعکس زبان انگلیسی، بُعد مفهومی[12] از بُعد صوری[13] موثّرتر است. سازه‌های طولانی‌تر از لحاظ دردسترس بودن دوگانگی دارند: این سازه‌ها با اینکه از بعد صوری نسبت به سازه‌های کوتاه‌تر سخت دسترس‌ترند،از نظر معنایی غنی‌تر هستند و در نتیجه از لحاظ مفهومی قابل دسترس‌ترند.

---

[8] Accessibility (or availability)

[9] Performance

[10] Processing(or parsing)

[11] The Early Immidiate Constituent (EIC) principle

[12] Conceptual

[13] Form-related

فارسی همانند ژاپنی، زبانی فعل- پایان، ضمیرانداز و دارای توالی آزاد کلمات است.[۱۴] در نتیجه، استدلال یاماشیتا و چانگ در مورد داده‌های این زبان هم می‌تواند صادق باشد و از این رو در فارسی هم مشاهدهٔ تمایل «بلند قبل از کوتاه» محتمل است. با این حال، فارسی برخلاف زبان ژاپنی، زبانی هسته-آغازی می‌باشد و تحلیلی که هاکینز توسط آن توالی ترجیحی کلمات در ساختار دوفعلی را در دو زبان انگلیسی و ژاپنی به درستی پیش‌بینی کرده است، در مورد زبان فارسی توالی ارجحی پیش‌بینی نمی‌کند (برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به فقیری و سامولیان ۲۰۱٤).

۱. دادگان

الف. دادگان پیکره‌ای

در این تحقیق ما از نسخهٔ آزاد پیکرهٔ بی‌جن‌خان قابل دریافت مستقیم از سایت دانشگاه تهران استفاده کردیم[۱۵]. این پیکرهٔ حدوداً ۲٫٦ میلیون کلمه‌ای از روزنامهٔ همشهری استخراج و به طور دستی برچسب‌زنی شده است. ابتدا افعال صرف شدهٔ این پیکره را ریشه‌یابی کردیم و از طریق نمونه‌گیری تصادفی، دادگان نمونه‌ای شامل ۲۰۰۰ گزاره از زیرمجموعهٔ افعال با قابلیت پذیرش ساختار دومفعولی این پیکره استخراج نمودیم. این زیرمجموعه محدود به ۱۲۱ فعل شامل افعال ساده (به ترتیب نزولی بسامد در کل پیکره: دادن، گفتن، گرفتن، افزودن، آوردن...) و افعال پیشوندی (مثل درآوردن، بازگرداندن...) است. سپس از میان این ۲۰۰۰ جمله، جمله‌هایی که دارای یکی از دو ساخت ...*مفعول مستقیم – مفعول غیرمستقیم – فعل* و یا ... *مفعول غیرمستقیم – مفعول مستقیم – فعل* بودند را شناسایی کردیم. مجموعاً ٥٤١ مورد شناسایی شدند (به عنوان نمونه نگاه کنید به ۵ – ۸). در اینجا باید اشاره کنیم که در این فرآیند ما افعال مرکب را تفکیک نکردیم،[۱٦] زیرا پیرو سامولیان (۲۰۱۲؛۲۰۰۱) بر این باوریم که جزء اسمی فعل مرکب از لحاظ نحوی فرقی با مفعول ندارد. به علاوه، چنین کاری به طور اصولی ممکن نیست زیرا نه معیار منسجمی برای شناسایی این افعال وجود دارد و نه یک تعریف دقیق صوری.

۵) الف. ... و با سطل بر روی هم آب می‌پاشند.

۵) ب. کارگر اخراجی اسید به رودخانه ریخت.

۱٤در استدلال یاماشیتا و چانگ این ویژگی‌ها هستند که زبان ژاپنی را از زبان انگلیسی در توالی ترجیحی کلمات متمایز می‌کند.

[۱۵]http://ece.ut.ac.ir/dbrg/bijankhan/

[۱٦]شایان ذکر است که برای جلوگیری از نادیده گرفته شدن همایندی فعل و جزء اسمی افعال مرکب، این مولّفه را از طریق بسامد باهمایی فعل و اسم مجاور آن در کل پیکره، به عنوان یک متغیّر دربررسی آماری داده‌ها وارد کردیم.

٦) الف. ... چون در زندگی آنها تاثیر منفی می‌گذارد.

٦)ب. ... تاثیر منفی بر دانشگاه‌ها می‌گذارد.

٦) ج. ... در فروشگاه‌ها، مادهٔ شیمیایی در محل نگهداری ماهی‌ها می‌ریخته ...

٧) الف. مقاله پراداوا نامی از نینا آندریوا نبرد.

٧) ب. اشتغال به کارهای متنّوع و غیریکنواخت اثر مثبتی بر خشنودی کاری می‌گذارد.

٧) ج. کارگرها به صورت اشتباهی در زمان حادثه ١٦ کیلوگرم اورانیم در تانکر ریخته‌اند.

٧) د. به شهر آمد تا برای کمانش چند تیر بخرد.

٨) الف. تا ١٦ ماه نوامبر وامهای دریافتی خود را به بانک بازگردانند.

٨) ب. ... و از این چاه مرگباری که خود ایجاد کرده بود آنها را برهاند.

٨) ج. ... و از آنها وعدهٔ حضور در ایران را گرفتند.

در مرحلهٔ نخست در هر جمله مفعول مستقیم را براساس حضور یا عدم حضور *را* برچسب‌زنی کردیم.همچنین، از آنجا که مفعول عریان نامشخص‌ترین گونهٔ مفعول بدون *را* است، داده‌ها را براساس این مولفه نیز برچسب‌زنی کردیم. همانطور که می‌بینیم (جدول ١) بسامدهای توزیع فراوانی توالی‌ها با فرضیه موجود همخوانی دارد. جایگاه ترجیحی مفعول بدون *را* در مجاورت فعل و مفعول با *را* دور از فعل است. امّا توزیع بسامدها در دو مورد یکسان نیست. در مورد مفعول‌های با *را* فقط در ٥٪ از موارد توالی خلاف توالی بی‌نشان مفروض است در حالیکه در مورد مفعول‌های بدون *را* این عدد به ٢٦٪ می‌رسد. از طرفی مشاهده می‌کنیم که عریان بودن هم با جایگاه مفعول مستقیم همبستگی نزدیکی دارد.

جدول١ : توزیع جایگاه مفعول مستقیم براساس همراهی آن با را

جایگاه مفعول مستقیم	نشاندار بودن مفعول مستقیم		عریان بودن مفعول مستقیم		کل
	با *را*	بدون *را*	عریان	غیر عریان	
دور از فعل	٢٤٨	٧٤	٢٧	٢٩٥	٣٢٢
کنار فعل	١٠	٢٠٩	١٨٣	٣٦	٢١٩
کل	٢٥٨	٢٨٣	**٢١٠**	**٢٢١**	**٥٤١**

ادغام این دو مولّفه تصویر دقیق‌تری از توزیع فراوانی توالی‌ها در این داده‌ها به دست می‌دهد (جدول ۲). مشاهده می‌کنیم در بیش از ٦٤٪ موارد مفعول‌های نامشخّصی که عریان نیستند قبل از مفعول غیرمستقیم و دور از فعل قرار گرفته‌اند که این فروانی با جایگاه بی‌نشان مفروض همخوانی ندارد.

جدول۲ : توزیع جایگاه مفعول مستقیم براساس همراهی با را و عریانی

جایگاه مفعول مستقیم	مفعول مستقیم با *را*	مفعول مستقیم عریان	سایر موارد
دور از فعل	۲٤۸	۲۷	٤۷
کنار فعل	۱۰	۱۸۳	۲٦
کل	۲۵۸	۲۱۰	۷۳

برای بررسی دقیق‌تر، مفعول‌های بی‌نشان (نامشخّص) را ورای عریان بودن یا نبودن‌شان، بر اساس میزان معیّن بودن سازهٔ اسمی در سه دسته دسته‌بندی کردیم. ۱) سازهٔ اسمی با نشان نکرگی یعنی با حرف تعریف یابا یای نکره : *کتابی، یک کتاب، چند کتاب داستان*...، ۲) گروه اسمی بدون وابسته پیشین یا یای نکره ولی با افزوده پسین : *کتاب درسی، کتاب قدیمی نفیس*...و ۳) اسم عریان یعنی گروه اسمی بدون هیچ وابسته و افزوده: *کتاب*. بدین ترتیب چهارگونه مفعول مستقیم تعریف شد که توزیع بسامد توالی‌های آنها در جدول (۳) آمده است.

جدول۳ : توزیع فراوانی جایگاه مفعول مستقیم بر اساس میزان معین بودن سازهٔ اسمی[۱۷]

جایگاه مفعول مستقیم	مفعول با *را*	مفعول نکره	مفعول عریان با افزوده	مفعول عریان
دور از فعل	۲٤۸	۳٦	۱۱	۲۷
کنار فعل	۱۰	۱۵	۱۱	۱۸۳
کل	۲۵۸	۵۱	۲۲	۲۱۰

[۱۷]بررسی آماری نشان داد همبستگی قویاً معنی‌داری (p<.001) توالی دو مفعول و نوع سازهٔ اسمی وجود دارد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت مشاهده شد که این سه نوع مفعول بی‌نشان یکسان عمل نمی‌کنند. در حالی‌که می‌توان به صراحت گفت جایگاه بی‌نشان مفعول عریان در مجاورت فعل است، به‌نظر می‌رسد جایگاه ترجیحی مفعول نامشخص نکره همان جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم مشخص باشد. در مورد مفعول‌های عریان افزوده‌دار اما نمی‌توان براساس این داده‌ها جایگاه ترجیحی تبیین کرد. در هرصورت این پیکرهٔ ٥٤١تایی از نظر تعداد داده در این دو نوع مفعول محدود است و به همین جهت پیکرهٔ نمونه را گسترش دادیم. بدین منظور تمامی جملات حاوی دو فعل دومفعولی کم‌بسامد *ریختن* و *فرستادن* به علاوهٔ یک زیرمجموعهٔ تصادفی از دو فعل دومفعولی پربسامد *دادن* و *گرفتن* را از پیکره بی‌جن‌خان استخراج کردیم و بدین ترتیب تعداد داده‌ها به ۹۰۵ مورد رسید. توزیع فراوانی جایگاه مفعول مستقیم در این مجموعه در جدول (٤) آمده است.

جدول٤ : توزیع فراوانی جایگاه مفعول مستقیم براساس میزان معین بودن سازهٔ اسمی (دادگان ۲)

جایگاه مفعول مستقیم	مفعول با *را*	مفعول نکره	مفعول عریان افزوده	مفعول عریان	کل
دور از فعل	٤٠٣	١١١	٢٢	٤٣	٥٧٩
کنار فعل	٢١	٣٣	٤٤	٢٢٨	٣٢٦
کل	٤٢٤	١٤٤	٦٦	٢٧١	٩٠٥

همین‌طور که نمودار (۱) این مساله را به خوبی نشان می‌دهد، دوگانهٔ مشخّص/ نامشخّص معیار دقیقی برای تعیین جایگاه ترجیحی (یا بی‌نشان) مفعول مستقیم نیست. پیوستار میزان معیّن بودن سازهٔ اسمی که در یک سرآن مفعول مستقیم مشخص (همراه با *را*) قرار دارد و در سر دیگر آن مفعول مستقیم عریان تصویر دقیق‌تر و منطبق با واقعیتی از جایگاه ترجیحی مفعول مستقیم به دست می‌دهد.

شایان توجه است که این پیوستار را می‌توان بر مراتب مفروضات ارجاعی[۱۸] گوندل و همکاران (۱۹۹۳) منطبق کرد و برای توالی‌ها توضیحی شناختی برپایهٔ دردسترس بودن ارائه داد: مفعول مستقیم نشاندار که در فارسی قابل دسترس‌ترین نوع مفعول است و در بالاترین جای پیوستار قرار دارد، قویّاً آرایش خطی دور از فعل را ترجیح دهد و در مقابل در سر دیگر پیوستار مفعول مستقیم عریان که

[۱۸] The referential Givenness hierarchy

نامشخّص‌ترین نوع مفعول است قویّاً آرایش خطی مجاور فعل را ترجیح می‌دهد. آرایش مفعول‌های واقع در میانهٔ پیوستار گوناگونی بیشتر دارد.

به علاوه، برای بررسی فرضیه‌های موجود در مورد توالی ترجیحی کلمات و نقش طول نسبی سازه‌ها،[۱۹] تفاوت طول دومفعول– برحسب تعداد کلمات – راهم ثبت کردیم و توالی دو مفعول را از طریق رگرسیون مدل‌سازی نمودیم که شرح مفصّل آن در اینجا نمی‌گنجد (نگاه کنید به فقیری و سامولیان ۲۰۱٤). نتایج این بررسی نشان‌گر این بود که در این داده‌ها، به طور خاص در مورد مفعول‌هایی که در میانهٔ پیوستار قرار دارند (نمودار ۱)، همبستگی معنی‌داری ($p < 0.01$) وجود دارد بین طول نسبی سازه‌ها و توالی، منطبق بر تمایل «بلند قبل از کوتاه» که پیشتر در مورد زبان ژاپنی به آن اشاره شد.

ب. دادگان تجربی

درمرحله دوم از طریق پرسش‌نامه آنلاین با پیروی از قواعد مرسوم در زبانشناسی تجربی به بررسی بیشتر مفعول نامشخّص با نشان نکرگی پرداختیم، از آنجا که جایگاه ترجیحی این دسته از مفعول‌ها در دادگان پیکره‌ای در تضاد با فرضیه‌های پذیرفتهٔ موجود است لازم بود مطمئن شویم نتیجهٔ حاصل از بررسی پیکره‌ای در تولید زبانی سخنوارن هم انعکاس دارد. به علاوه، تمایل «بلند قبل از کوتاه» و همچنین اصل «مفروض قبل از نو» را هم مورد آزمایش قرار دادیم. در این پرسش‌نامه که به صورت

[۱۹] Relative length

آنلاین انجام صورت گرفت، از شرکت‌کنندگان خواسته شد یک سری جمله دو مفعولی[20] را با سازه‌های از پیش داده شده کامل کنند. انتخاب توالی دو مفعول به شرکت‌کنندگان واگذار شده بود.

سازه‌های پیشنهادی برای مفعول مستقیم بی‌نشان از نوع نامشخص نکره و تفاوت طول دو مفعول و مفروض بودن مفعول غیرمستقیم[21] متغیر بودند (طراحی ۲×۲)، به عنوان نمونه نگاه کنید به (۹)[22]. نتایج حاصل از این آزمایش هر دو فرضیه برگرفته از داده‌های پیکره‌ای را تأیید کردند: ۱) در جملات شرکت‌کنندگان توالی در ٦٩٪ از موارد مفعول مستقیم – مفعول غیر مستقیم است. بنابراین توالی ترجیحی، توالی بی‌نشان مفروض برای مفعول مشخّص است ۲) بلندتر بودن سازه همبستگی معنی‌داری با پیشایندسازی آن دارد (برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به فقیری و همکاران ۲۰۱٤).

بنابراین می‌توان گفت با اینکه این مطالعه وجود دو توالی بی‌نشان متفاوت را برای دو مفعول تأیید می‌کند، این دو توالی بی‌نشان فقط در مورد مفعول‌هایی که در دو سر پیوستار (نمودار ۱) قرار دارند صادق است و به صراحت می‌توان گفت که مشخّص بودن یا به عبارتی نشان‌دار بودن مفعول مستقیم به تنهایی نمی‌تواند معیار تعیین توالی بی‌نشان باشد و باید نوع گروه اسمی را نیز درنظر گرفت. داده‌ها به روشنی نشان می‌دهند که جایگاه ترجیحی مفعول‌های نامشخّصی که حرف تعریف (نشان نکرگی) دارند، با جایگاه بی‌نشان مفعول مشخّص (نشان‌دار) یکی است. از طرف دیگر، این داده‌ها موّید این است که طول سازه‌ها هم در تعیین توالی دومفعول تأثیر دارند. به‌نظرمی‌رسد که این تأثیر، طبق استدلال یاماشیتا و چانگ (۲۰۰۱) در مورد زبان ژاپنی، به دردسترس بودن مفهومی سازه‌ها بستگی داشته باشد.

۹) الف. کولر از کار افتاده بود و هوا همین طور گرم‌تر می‌شد. آبدارچی وقتی گرما به اوج رسید...

به مشتری‌ها

یک لیوان شربت سکنجبین تگری

یک قاچ هندوانه بدون هستهٔ خنک

۹) ب. کولر از کار افتاده بود و هوا همین طور گرم‌تر می‌شد. آبدارچی وقتی گرما به اوج رسید...

به مشتری‌ها که از گرما کلافه بودند

---

[20] هر پرسش‌نامه شامل ۲۰ جملهٔ اصلی و ۳۰ جمله انحراف بود. افعال به کار رفته برای ساخت دومفعولی *دادن، گرفتن، خریدن، فروختن، فرستادن، بخشیدن و خوراندن* هستند.

[21] بدیهی است مفعول‌های مستقیم نمی‌توانستند مفروض باشند.

[22] در هر پرسش‌نامه فقط یکی از چهار نسخهٔ الف، ب، ج یا د هرجمله آورده شده است.

یک لیوان شربت

یک فنجان چای

۹) ج. کولر از کار افتاده بود و مشتری‌ها داشتند از گرما کلافه می‌شدند. آبدارچی ...

به مشتری‌ها

یک لیوان شربت سکنجبین تگری

یک قاچ هندوانه بدون هستهٔ خنک

۹) د. کولر از کار افتاده بود و مشتری‌ها داشتند از گرما کلافه می‌شدند. آبدارچی...

به مشتری‌ها که از گرما کلافه بودند

یک لیوان شربت

یک فنجان چای

داد.

٤. نتیجه‌گیری

این نتایج کّمی و داده‌بنیاد دریچهٔ جدیدی به دریافت نحوی از جایگاه مفعول مستقیم در فارسی باز می‌کنند و نشان می‌دهند که تحلیل پیوستاری با واقعیت زبانی هم‌خوانی بیشتری دارد. از جمله، این یافته‌ها نظریه‌هایی را که دیدگاه دوقطبی به جایگاه مفعول مستقیم دارند، به این معنی که تفاوت در توالی بسته به نوع مفعول را لزوماً نشانگر وجود تفاوت در جایگاه نحوی می‌داند، زیر سوال می‌برند. زیرا ازآنجا که تفاوت در توالی بسته به نوع مفعول از نوع پیوستاری است نه گسسته، نمی‌توان برای این تفاوت رفتاری تحلیلی تفکیکی پیشنهاد داد. حتی اگر قرار باشد تحلیلی تفکیکی داشته باشیم، باید حداقل سه (اگر نه چهار) جایگاه نحوی برای مفعول مستقیم در نظر گرفت زیرا که چهار رفتار متفاوت (و نه فقط دو رفتار) مشاهده می‌شود.اضافه براین در داده‌های پیکره‌ای مفعول‌های مستقیم عریان که نامشخص‌ترین نوع مفعول مستقیم هستند در بیش از ۱۵٪ (که اگر دستهٔ عریان با افزوده را هم در نظر بگیریم می‌رسد به ۱۹٪) از موارد دور از فعل قرار گرفته‌اند و به نظر نمی‌رسد بتوان در تمامی این موارد این جایگاه را برپایهٔ قلب نحوی ناشی از تأکید تقابلی توضیح داد.

به علاوه، همانطور که سامولیان (۲۰۰۱) نشان داده است، برخلاف نظر کریمی (۲۰۰۳: ۱۰۳) می‌توان مفعول‌هایی را که از یک نوع نیستند همپایه کرد، مثال (۱۰). اگر این مفعول‌ها در جایگاه‌های

متفاوت نحوی قرار داشتند قاعدتاً همپایه‌سازی آنها باید جمله را غیردستوری می‌کرد.

۱۰) مریم برای تولّد ساراشکلات، یک دسته گلو آخرین رمان نویسندهٔ مورد علاقه‌اش را خرید.

بر پایهٔ این مشاهدات بر این باوریم که جایگاه مفعول مستقیم را نه به عنوان یک پدیدهٔ نحوی بلکه به عنوان یک پدیدهٔ برگرفته از توالی ترجیحی کلمات باید بر اساس تحلیلی پیوستاری توضیح داد.

منابع

انوری، حسن و گیوی احمدی گیوی. ۱۳۷٤. *دستورزبان فارسی* ۲، ویرایش دوم، تهران: موسسهٔ انتشارات فاطمی.

بی‌جن‌خان، محمود. ۱۳۸۳. نقش پیکرهٔ زبانی در نوشتن دستور زبان، معرفی یک نرم‌افزار رایانه‌ای، *زبان‌شناسی*، ۳۸ (۲) :٤۸ – ٦۷.

راسخ‌مهند، محمد. ۱۳۸۳. «جایگاه مفعول مستقیم در فارسی»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۲٤: ٥٦ –٦۷ .

ناتل خانلری، پرویز. ۱۳٦٥. *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات توس.

قریب، عبدالعظیم و همکاران. ۱۳۷۳. *دستور زبان فارسی (پنج استاد)*، تهران : انتشارات ناهید.

Behaghel, Otto. 1909. Beziehungen zwischen Umfang und Reihenfolge von Satzgliedern. *Indogermanische Forschungen*, 25:110-142.

Bock, J Kathryn. 1982. Toward a cognitive psychology of syntax: Information processing contributions to sentence formulation. *Psychological Review* 89:1.

Bock, J Kathryn, and Willem Levelt. 1994. Language production: Grammatical encoding. In M. Gernsbacher(ed.), *Handbook of psycholinguistics*, 945–984.

Bresnan, Joan, Anna Cueni, Tatiana Nikitina, and Harald Baayen. 2007. Predicting the dative alternation. In G. Boume, I. Kraemer, and J. Zwarts(ed.), *Cognitive foundations of interpretation*, 69–94.

Faghiri, Pegah, and Pollet Samvelian. 2014. Constituent ordering in Persian and the weight factor. In Christopher Pinon (ed.), *Empirical issues in syntax and semantics 10 (EISS10)*, 215–232.

Faghiri, Pegah, Pollet Samvelian, and Barbara Hemforth. 2014. Accessibility and Word Order: The Case of Ditransitive Constructions in Persian. In Stefan Müller (ed.) *Proceedings of the 21st International Conference on Head-Driven Phrase Structure Grammar*, University at Buffalo, 217–237. Stanford, CA: CSLI Publications.

Gundel, Jeanette, K.1988. Universals of topic-comment structure. In M. Hammond, E.A. Moravcsik, and J.R. Wirth(ed.), *Studies in syntactic typology*, Typological studies in language, 209–239.

Gundel, Jeanette K, Nancy Hedberg, and Ron Zacharski. 1993. Cognitive status and the form of referring expressions in discourse. *Language*69 (2) :274–307.

Hawkins, John A. 1994. *A performance theory of order and constituency*. Cambridge University Press.

Karimi, Simin. 1990. Obliqueness, Specificity and Discourse Functions: Ra in Persian. *Linguistic Analysis*, 20: 139-191.

Karimi, Simin. 2003. Object positions, specificity and scrambling. In Karimi, Simin(ed.), *Word Order and Scrambling*, 91-125, Blackwell Publishers.

Samvelian, Pollet. 2001. Le statut syntaxique des objets nus en persan. Bulletin de la Société de Linguistiquede Paris,96 (1) :349–388.

Samvelian, Pollet. 2012. Grammaire des prédicats complexes : les constructions nom-verbe. Herms–Lavoisier.

Wasow, Thomas. 1997. Remarks on grammatical weight. *Language Variation and Change*, 9(1):81–105.

Wasow, Thomas. 2000. Postverbal behavior. CSLI lecture notes. CSLI.

Yamashita, Hiroko, and Franklin Chang. 2001. 'Long before short' preferences in the production of a head final language, *Cognition* 81(2) : B45-B55.